



کبر سرچشمه همه بدبختی های انسان / چگونه یک فرد متکبر می شود

سرچشمه اصلي بدبختي هاي بشر کبر و غرور است که حجاب در برابر دیدگاه حق بين انسان مي افکند و تکبر استعمال کبر است ...

سرچشمه اصلي بدبختي هاي بشر کبر و غرور است که حجاب در برابر دیدگاه حق بين انسان مي افکند و تکبر استعمال کبر است يعني کبر و نخوت دروني خود را در گفتار و کردار آشکار کند. به گزارش خبرگزاری مهر، کبر صفتی نفساني و حالي نهاني است که در انسان به واسطه بزرگ تر و بهتر و بلند مرتبه دیدن خود از دیگری پيدا مي شود. کبر بر اين اعتقاد نادرست تکیه دارد که انسان خود را مهم و عزيز و ديگران را ذليل مي پندارد و البته به اين خيال موهوم خود دلشاد است. از اين بيان تفاوت بين عجب و کبر دانسته مي شود، زيرا عجب همان خودپسندي و بزرگ دیدن عمل خود است بدون ملاحظه ديگري، يعني تنها خود و کار خود را بزرگ مي بيند و به آن مي بالد نه اين که خود را از ديگري بهتر و بزرگ تر ببیند. بنابر اين ممکن است کسي عجب داشته باشد ولي کبر نداشته باشد. اما اگر کسي صفت خوبي در خود ديد بايد بداند که خداوند به او عنايت کرده و هر زمان که بخواهد مي تواند آن را بگيرد. در اين صورت به خود اجازه نمي دهد که فخر فروشي نمايد.

کبر يکي از بزرگ ترين صفات رذيله است و چه بسيار افراډي که از اين راه به هلاکت رسيدند. کبر صفتي است که مانع کسب اخلاق حسنه مي گردد، زيرا کبر مانع خودسازي است، چرا که شخص متکبر حاضر به درخواست راهنمايي از ديگران نيست. قرآن مجيد مي فرمايد: خداوند بر قلب هر متکبر جباري مهر مي نهد.

لجاجت و عنادها در برابر حق پرده اي ظلماني بر قلب و فکر انسان مي اندازد و حس تشخيص را از او مي گيرد و کار به جايي مي رسد که قلب او همچون يك ظرف در بسته مهر مي شود که نه محتوای فاسد آن بيرون مي آيد و نه فکر صحيح در آن وارد مي شود. قرآن در آيه ديگري مي فرمايد: وارد شويد از درهاي جهنم و جاودانه در آن بمانيد و چه بد جاياگهي است جاياگاه متکبران.

سرچشمه اصلي بدبختي هاي بشر کبر و غرور است که حجاب در برابر دیدگاه حق بين انسان مي افکند. منشا تکبر مي تواند مسائل گوناگوني باشد، گاه کثرت مال آن را بوجود مي آورد، گاه زيادي افراد و خاندان، گاه حسب و نسب و گاه معلوماتي که شخص دارد. حضرت علي(ع) در خطبه اي مي فرمايد: از آنچه خداوند درباره شيطان انجام داد عبرت بگيريد، زماني که باطل کرد عمل بي حد، و جد و جهد بي اندازه اش را، در حالي که خدا را در شش هزار سال عبادت کرده بود و معلوم نيست آيا از سال هاي دنيايي بوده يا اخروي که روزش هزار سال است که سبب آن بطلان عمل کبر او نسبت به حضرت آدم بود.

در حقيقت پيدايش حالت کبر از سه اعتقاد به وجود مي آيد؛ مرتبه خود و ديگري را دیدن و آن گاه مرتبه خود را از او افزون تر پنداشتن و بعد بر اين عقیده تکیه کردن و خود را عزيز و بي نياز و بزرگ و پاک پنداشتن. پس اعتقاد صرف به برتري خود از ديگران، بدون پيدا شدن غرور و کبر نيست اما گاهي موجب کبر مي شود که آن وقت صاحب آن داراي چندين صفت زشت شده است که بايد خداوند به فريادش رسد که در روز دادگري چه جوابي در مقابل عدل الهي مي تواند بدهد. پيامبر اکرم(ص) مي فرمايد: سه طايفه اند که خداوند در قيامت با آنها سخن نمي گويد چون مورد غضب باري تعالي هستند و به نظر رحمت به آنها نمي نگرد و براي آنها عذابي در دناک است؛ پيرمرد زنا کار، حاکم ظالم و فقير متکبر.

تکبر استعمال کبر است يعني کبر و نخوت دروني خود را در گفتار و کردار آشکار کند، اما در گفتار مانند اين که تزکيه نفس کند و بنازد که از فلان و بهمان بالاتر و بهترم، کارهايم درست است و عيب و نقصي در من نيست، چنان که شخص معجب چنين است. يا اين که به اموري که به نظرش کمال است بنازد و به رخ مردمان بکشد که من داراي کمالاتي هستم که فلاني از آنها هيچ خبري ندارد. فهم مرا کسي ندارد و يا اين که به حسب و نسب و دارايي خود فخر و مباهات کند. قرآن مي فرمايد: خداوند دوستدار هيچ متکبر و خودستايي نيست.

کبر بر سه قسم است؛ کبر در برابر خدا و پيامبر(ص) و مردم. کبر در برابر خدا داراي انواعي است؛ گاهي انسان جاهل و مغرور را حالي دست مي دهد که در آن حال خود را مستقل دانسته، هستي و تمام شئون خود را از خودش مي داند و حاضر نيست خود را مخلوق و زير دست و تحت تدبير و تربيت خدا بداند و به زبان حال وقال مي گويد؛ من چنين کردم و چنان خواهم کرد و در اثر توانايي محدود، پروردگار و آفريدگار را تصديق ندارد و ظلمت کفر، دلش را سياه نموده که خداوند مي فرمايد: آنها که ايمان به آخرت ندارند و ايمان درستي به مبدا و معاد ندارند دل هایشان حقيقت را انکار مي کند و در برابر حق مستکبر هستند.